

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

برگزیده کتاب

چهل قدم تا ملکوت

نویسنده:

عادل حسین قربان

برگزیده نویسی:

اسماعیل داستانی بنیسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این متن، برگزیده کتاب «چهل قدم تا ملکوت: برداشتی شاعرانه و نگاهی گذرا پیرامون ابعاد زندگی عارف کامل و اسوه زهد و تقوا حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر باقری کنی» (عادل حسین قربان، چاپ نخست، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، سال ۱۳۹۶) است.

بنده این کتاب را در روز سه‌شنبه، ۱۳۹۸/۲/۱۰، خریدم و خواندم و دوباره در روز چهارشنبه، ۱۳۹۸/۲/۲۵، مطالعه کردم و در فرمایش برگزیده‌اش را نوشتم.

برگزیده‌نویسی و انتشار این اثر را به حضرت آیت‌الله محمدباقر باقری کنی - دامت برکاته - تقدیم می‌کنم.

۱. زیاد کسی را نگاه نمی‌کند. اگر هم نگاه کند، زیرچشمی و کوتاه. شاید علتش این است که می‌خواهد طرف مقابل، راحت حرفش را بزند؛ بدون رودربایستی، و دل به دریا بسپارد.^۱

۲. به طور وصف‌ناپذیری مدام نگران اوضاع اطرافیان و آشنایان است. می‌گوید: «باید همیشه به یاد گرفتاران اطرافمان باشیم»^۲

۱. ش ۱.

۲. ش ۲.

۳.

دامن مزین به آتش این قبیل و قالها

از حق بگو، چنانکه علی گفت سالها

سید محمد جواد شرافت^۱

۴.

نمانده جای شکایت، که در پی هر زخم

بلندتر شده طومار بردباری ما

میلاذ عرفان پور^۲

۵. اصلاً به نظر نمی‌رسد تا این اندازه، عالم باشد؛ مثل مردم عادی

رفتار می‌کند و برای خودش هیچ شأن و جایگاه خاصی، قائل نیست.^۳

۶. هیچ‌گاه کسی را، حتی سرسوزنی به اصطلاح ما ضایع نمی‌کند.

گاهی پیش می‌آید وقتی قضیه‌ای را برایش تعریف می‌کنیم، یا قبلاً

گفته‌ایم و یا برای ایشان تکراری است؛ با این حال، حاج‌آقا اصلاً به روی

خودش نمی‌آورد. انگار نه انگار مطلب تکراری است. با جدّیت تمام به

گوینده گوش می‌دهد و اجازه می‌دهد صحبتش تمام شود.^۴

۷. بسیار مراقب است وقتی در جمعی چند نفر نشستند، با افراد،

۱. ش ۷.

۲. ش ۹.

۳. ش ۱۰.

۴. ش ۱۱.

متفاوت برخورد نکند و به کسی توجه بیش تری نداشته باشد. ...
با این وجود، حتی به کودکان هم توجه کامل دارد و مدتی هم با آنها
هم صحبت می‌شود.

با ریز و درشت، مثل هم برخورد می‌کند. واقعاً کودک هفت - هشت ساله
در نظرش تفاوتی با فلان مقام سیاسی ندارد.^۱

۸. رفتارش واقعاً متواضعانه است؛ نه این که ادا درآورد. رفتارش نشان

می‌دهد که به جای تظاهر، خودش عمیقاً باور کرده است کسی نیست.^۲

۹. یک بار که برای حلّ مشکلم از حاج آقا خواستم دعا کند، قرص و

محکم گفت: «برو توکل به خدا کن؛ درست می‌شود.» آرام شدم. طولی

نکشید کارم هم درست شد.^۳

۱۰.

حتی به یک نخ نیز این‌جا دل نبندید

این را نوشت و رفت بالا بادبادک

معین اصغری^۴

۱۱. بسیار مقید است که حتماً در مجالس ختم شرکت کند. اصلاً عادت

دارد که در روزگار سختی در کنار مردم باشد. این یعنی: واقعاً غمخوار

۱. ش ۱۲.

۲. ش ۱۳.

۳. ش ۱۵.

۴. ش ۱۹.

مردم است. تقریباً در تمام مراسم ختم اهل محل، چه فامیل، چه غیر فامیل، حضور می‌یابد.^۱

۱۲. به همه احترام می‌گذارد. تا به حال نشنیده‌ایم که بگوید: «مثلاً فلانی عقایدش به ما نمی‌خورد؛ پس با او قطع رابطه کنیم.»؛ در عین حالی که حرفش را می‌زند و در اصول، کوتاه نمی‌آید.

اگر زمانی در منزل حاج‌آقا برنامه توزیع نذری باشد، همه اهل خانواده می‌دانند که بین در و همسایه، به آن فردی که دینداری‌اش ضعیف‌تر است یا خیلی انقلاب را قبول ندارد، باید قبل از دیگران نذری دارد. دیگران اگر از قلم بیفتند، آن یک نفر نباید فراموش شود؛ وگرنه، حاج‌آقا عصبانی می‌شود.

با همین رفتارش خیلی‌ها را روبه‌راه کرده. خودم دیده‌ام به علت همین رفتار حاج‌آقا، خیلی‌ها اهل نماز و عبادت و طرفدار انقلاب شده‌اند.

مبین ز خلق که این، یار و آن ز اغیار است

به کشت عارف و عامی چو ابر نیسان باش

حافظ^۲

۱۳. با این که خودش خیلی اهل مراقبه است، در خیابان که راه می‌رود، به محض این که در کنار یا کمی عقب‌تر از خانمی قرار می‌گیرد، یکباره

۱. ش ۲۱.

۲. ش ۲۴.

- قدهايش را تندتر برمی دارد؛ که سریع تر رد شود.^۱
۱۴. یک ثانیه هم از خدا غافل نمی شود. حتی کاری که شاید حرام هم نباشد، از ترس غفلت، طرفش نمی رود.^۲
۱۵. میوه که می خرد، حتماً باید خودش سُوا کند. می گوید: «این ها را می خواهیم جلو مهمان بگذاریم. فقط برای خودمان که نیست؛ باید به ترین نوعش باشد.»
- آخر سر هم با مغازه دار چانه می زند که کمی ارزان تر حساب کند.
۱۶. در ساده ترین کارها هم خودش را از دیگران برتر نمی داند. خودش می گوید: «من هم یکی مثل همه.»^۳
۱۷. ممکن است یک موقع به دلیل خاصی عصبانی شود؛ اما هیچ وقت در عصبانیت، کنترل خودش را از دست نمی دهد.
- هر وقت هم از چیزی دلخور می شود، مراقب است که مبادا حرف ناروایی بزند.
- تا به حال، کسی حتی یک کلمه رکیک هم از او نشنیده است.
- گاهی پیش می آید برخی افراد کار ناشایستی انجام می دهند. حاج آقا خیلی که دلخور و ناراحت می شود، می گوید: «دعا کنید خدا هدایتش کند.

۱. ش ۲۶.

۲. ش ۲۷.

۳. ش ۲۸.

اگر هم هدایت نشود، همین اخلاق بدی که دارد، بالاترین عذاب الاهی برای او است؛ چون بیش از همه، خودش در رنج است.»
با این حال، همیشه برای همه، دعا می‌کند؛ حتی برای کسانی که برخورد نادرستی با او داشته‌اند.
خشم هرگز برنخیزد جز ز کبر و «ما» و «من»

هر دو را چون نردبان، زیر آر و بر افلاک شو

مولوی^۱

۱۸. فامیل دوستی عجیب و زائدالوصفی دارد. مرتب به دیدار اقوام می‌رود تا آن جا که برخی از اقوام که خیلی تمایلی به ادامه ارتباط ندارند، هم مورد توجه حاج آقا هستند؛ حتی بیش تر از دیگران.
به فامیل سر می‌زند، از احوالشان می‌پرسد. وضعیت شغلی، تحصیلی، ازدواج، مسکن و همه و همه، مورد توجه حاج آقا است.
خلاصه: این که هیچ کدام از اقوام نمی‌تواند با حاج آقا قطع رابطه کند. اصلاً دست خودش نیست.

وقتی یک نفر از فامیل را می‌بیند، گویا چهره‌اش باز می‌شود. آن قدر خوشحال می‌شود که علاقه‌اش را ابراز می‌کند.
واقعاً اسوه عملی اخلاق است؛ پناهگاهی برای همه بستگان با همه جور عقاید. همه پیشش می‌روند تا از نفس خیر حاج آقا مشکلاتشان

حل شود.

گرچه خوبشان تو باشند از بدان

بدتر از قطع رحم، چیزی مدان

عطار^۱

۱۹. عادت دارد از همه، التماس دعا داشته باشد.

تکه کلامی دلنشین دارد. می گوید: «اگر دعایم کنی، دعایت می کنم. اگر

هم دعایم نکنی، باز دعایت می کنم.»^۲

۲۰.

درس معلّم ار بوّد زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را

نظیری نیشابوری^۳

۲۱. برای همه، شأن و منزلت بالایی، قائل است.

گاهی وقتی کسی پیشش می آید، آن قدر مورد احترام و توجه حاج آقا

قرار می گیرد که انگار طرف، متقی ترین فرد روی زمین است.

عمیقاً به افراد، خوش بین است؛ نه این که فقط در ظاهر، مدعی باشد.

یک بار یکی از دانشجویان در مورد حسن ظن و این که چه کار کنیم

۱. ش ۳۰.

۲. ش ۳۲.

۳. ش ۳۳.

نسبت به افراد، حُسن ظن داشته باشیم، سؤال کرده بود. حاج آقا پاسخ جالبی داد. گفت: «نگاه کنید: خدا رحمة للعالمین است؛ برای همهٔ بندگان خوب می‌خواهد. شما هم همین‌طور باشید؛ برای همه، خیرخواه باشید. اگر از کسی دلگیرید، دعا کنید خدا هدایتش کند.»^۱

۲۲. علاقهٔ زیادی به زیارت دارد.^۲

۲۳. بچه‌های کوچک پیشش می‌آیند که قرآن بخواند. حاج آقا هم با تمام وجود به آن‌ها توجه می‌کند. آخر سر هم یک اسکناس از جیبش درمی‌آورد و به آن‌ها می‌دهد.

خودش می‌گوید: «ما به بچه‌ها ممکن است پول زیاد بدهیم؛ اما موقعی که باید بدهیم، نمی‌دهیم.» منظورش این است که برای تقویت دین بچه‌ها باید به این شکل، تشویقشان کنیم.

کلاً عیدی، زیاد می‌دهد. تکریم اعیاد مذهبی برایش خیلی مهم است. همهٔ اعیاد به اطرافیان پول می‌دهد. حتی اعیادی مثل تولد حضرت معصومه علیها السلام که گاهی از نظر افراد، دور می‌ماند، مورد توجه حاج آقا است.^۳

۱. ش ۳۵.

۲. ش ۳۷.

۳. ش ۴۰.